

شرق

روزنامه

تخریب ساختمان‌ها بر اثر زلزله ۵٫۱ ریشتری روستای رامیان استان گلستان. عکس: علی دهقان، فارس



تخریب ساختمان‌ها بر اثر زلزله ۵٫۱ ریشتری روستای رامیان استان گلستان. عکس: علی دهقان، فارس

زن

هراس از بازگشت طالبان

نیویورک‌تایمز در گفت‌وگو با چند زن افغان، از نگرانی‌ها و هراس‌های آنان از قدرت‌گرفتن دوباره طالبان گزارش داده است. در این روزها که دولت افغانستان و طالبان در حال مذاکره هستند، خاطرات سال‌های سخت تسلط طالبان بر این کشور دوباره زنده شده است. البته این زنان گفته‌اند که با وجود نگرانی از بازگشت طالبان در حال تلاش برای به‌دست‌آوردن حقوق برابر در این جامعه‌مردسالارانه هستند، آن هم در جامعه‌ای که رویکرد خشنی نسبت به زنان دارد. یکی از این زنان کاپسو باری است. او وقتی شش‌ساله بود، با پسر شش‌ساله یک فرمانده طرفدار طالبان نامزد بود. او وقتی ۱۸ساله شد، با کمک سربازان آمریکایی به ایالات متحده گریخت و پنج سال پیش با مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه کلمبیا به افغانستان بازگشت و اکنون به‌عنوان کارمند خدمات کشوری برای دولت کار می‌کند. هرچند فرار او سبب شد تا همین فرمانده، خواهرش را از خانواده طلب کند و پس از مخالفت پدرش، ۲۰ سال است ربوده شده و هنوز هم اثری از او نیست. خانم یاری، ۳۲ساله، این روزها در هراس است که با قدرت‌گیری طالبان و خروج نیروهای آمریکایی جایگاه و دست‌آوردهایش را از دست بدهد. بازگشت احتمالی افراط‌گرایان به‌ویژه برای زنان شاغل نگران‌کننده است. هزاران زن افغان در ۱۹ سال پس از سرنگونی طالبان و پایان‌دادن به نگاه سختگیرانه آنها به زنان – که به محصورشدن زنان در خانه منجر شده بود- به مشاغل و حضور در اجتماع روی آوردند. فقط پنج نفر از ۲۱ عضو تیم مذاکره‌کننده دولت افغانستان زن هستند. فوزیه کوفی، یک مذاکره‌کننده زن، دو هفته پیش از سو‌وقعت توسط افراد مسلح ناشناس در کابل جان سالم به در برد. هرچند معاون رهبر طالبان گفته است که به «حقوق اعطاشده زنان توسط اسلام احترام گذاشته خواهد شد»، اما این همان اصلی بود که در دوران حکومت طالبان به آن استناد می‌شد و انواع سختگیری‌ها را برای زنان به ارمغان آورده بود. زنان افغان هنوز به‌عنوان دارایی‌های مردان محسوب می‌شوند. حتی در کابل، پایتخت افغانستان، زنانی که به طور کامل موهای خود را نمی‌پوشانند یا با مردی که عضو خانواده نیست در ملاعام ظاهر می‌شوند، مورد

می‌شود و او فقط مال شوهر خود می‌شود». او بارها در مناطق روستایی معمول است. صدها هزار دختر افغان در مدرسه تحصیل نمی‌کنند. خانم باری مسئول بررسی پرونده‌های حقوق بشر و حقوق شهروندی است، این موقعیتی است که برای زنی تحت سلطه طالبان غیرقابل تصور است. کاپسو یاری می‌گوید: «وقتی می‌خواستم از آن وضعیت کودک‌همسری فرار کنم، به اندازه الان احساس نگرانی نمی‌کردم. اکنون هم در بسیاری از لحظات، فشار بیرونی را احساس می‌کنم. آیا آرایش کنم یا نه؟ آیا روسری داشته باشم یا نه؟ لباس تنگ است یا مناسب؟ برخی از همکارانم در کمیسیون خدمات کشوری دارای عقاید سنتی درباره نقش حرفه‌ای یک زن هستند. آنها بپر این باورند که زنان باید در پستو بمانند و کارها برعهده مردان باشد. خانم یاری می‌گوید وقتی زنان در تیم افغانانی که ۲۸ مارس برای مذاکره با طالبان انتخاب شده بودند، قرار گرفتند، خوشحال شد. او خود را یک «بازمانده» می‌داند و می‌گوید: «من برای رسیدن به جایی که الان هستم راهی طولانی طی کردم و حاضر به بازگشت نیستم».

هنگامی که ریحان آزاد کاندیدای نمایندگی در پارلمان افغانستان شد، خانوادهاش به طور علنی با او مخالفت کردند. خانم آزاد، مادر دو فرزند است و در ۱۳سالگی ازدواج کرده بود اما او از نظر خانواده‌اش مرتکب گناه بزرگی شده. ۱۰ سال پیش از همسرش جدا شده بود. در افغانستان به ندرت اتفاق می‌افتد که یک زن درخواست طلاق کند و این نشان تنگ برای خانواده زن است. خانم آزاد ۳۷ساله با کسب بیشترین رأی در منطقه خود، توانست به پارلمان راه پیدا کند. برخی از اعضای مرد پارلمان پیروزی‌اش را به چالش کشیدند. یک قانون‌گذار از غرب افغانستان او را بدکاره و جاسوس خارجی‌ها خوانده و گفته با طلاق از همسرش به اسلام بی‌احترامی کرده است. از نظر خانم آزاد، این اتهامات یادآوری این نکته بود که در صورت بازگشت طالبان، زندگی برای زنان می‌تواند با مخاطرات بیشتری همراه باشد. از نظر او ایالات متحده در مذاکره برای دستیابی به توافق صلح، به دست‌آوردهایی که زنان از سال ۲۰۰۱ کسب کرده‌اند، بی‌اعتنایی کرده است. او می‌گوید: «آمریکایی‌ها به حقوق زنان افغان اهمیتی نمی‌دهند. این معامله پشت درهای بسته اتفاق افتاد و زنان افغان در آن شرکت نکردند. حتی پس از ۱۹ سال، تفکرات طالبان تغییر نکرده است. آنان به زنان تجاوز کردند و آنها را در خیابان شلاق زدند. آنها همان شرارت قبلی را نشان می‌دهند. اکنون حتی با پیشرفت زنان افغان، آنها هر روز نوین و تبعیض را تحمل می‌کنند. جامعه علیه زنان است. مردم هنوز باور ندارند که زنان می‌توانند به کار را به بخوانند. انجام دهند».

خانم آزاد به‌عنوان عضو پارلمان، در تلاش است تا نه فقط به خاطر خودش؛ بلکه به خاطر نسل بعدی دختران، تبعیض‌ها را از بین ببرد و می‌گوید: «می‌خواهم نوه‌های من احساس کنند که یک انسان هستند».

پرنده آبی



بازی است. این خواننده‌ها همچنین ممکن است به بازیکنان در بهبود نوشتن کمک کند. این بررسی نشان داد از هر پنج نفر (۶۲.۵ درصد) از آنان که بازی‌های ویدئویی انجام می‌دهند، هر ماه چیزی در رابطه با بازی می‌نویسند. بسیاری از آنها وبلاگ می‌نویسند. به گفته محققان، «تجربه فرهنگی مشترک» بازی نیز به ارتباط مثبت با دوستان و خانواده می‌انجامد. این بررسی نشان داد از هر چهار نفر، سه نفر آنها با دوستان‌شان درباره بازی‌های ویدئویی صحبت می‌کنند؛ درحالی‌که تنها سه نفر از ۱۰ نفر درباره کتاب‌هایی که می‌خوانند، با هم صحبت می‌کنند. این کودکان معتقدند بازی‌های ویدئویی به آنها کمک می‌کند تا در «زندگی واقعی» و آنلاین، ارتباطات اجتماعی بهتری برقرار کنند و البته محققان نتیجه‌گیری کرده‌اند که ارتباطات قوی‌تر اجتماعی باعث بهبود ذهنی می‌شود. طبق گفته این کودکان، «بازی‌های ویدئویی به آنها کمک می‌کند تا با استرس و احساسات ارتباطات اجتماعی بهتری برقرار کنند و البته محققان نتایج‌گیری کرده‌اند که ارتباطات قوی‌تر اجتماعی باعث بهبود ذهنی می‌شود. طبق گفته این کودکان، «بازی‌های ویدئویی به آنها کمک می‌کند تا با استرس و احساسات ارتباطات اجتماعی بهتری برقرار کنند و البته محققان نتایج خود مقابله با از آن فرار کنند». هرچند محققان جزئیات مربوط به انواع بازی‌های ویدئویی یا مدت‌زمان بازی کودکان را ارائه نکرده‌اند. راشل کورور، روان‌شناس فرزندان آنها مفید باشد.

روشنای روز رنگ‌پریده و هوا که خنک می‌شد، برگ‌های خسته درختان کهنسال کم‌کم سست می‌شدند و در کوچه و خیابان‌های ایرانی با باد برگ‌ها و حال‌وهوای ما بازی می‌کرد. این موقع‌ها می‌رقیم بازار و خط‌کش و خودکار و جلد کتاب و دفتر می‌گرفیم تا زنگ مهر نواخته شود و اول مهر صف بنیدیم و با هم باشیم. اینها را که بازگو می‌کنم، انگار یک قصه قدیمی است. انگار یک جایی پرتاب شده‌ایم و هیچ چیزی سر جایش نیست. کرونا از اسفند سال گذشته در ایران همه‌گیر شده است. از همان روزهای نخست یکی از چالش‌های اصلی این بود که فرزندان‌مان چگونه به کلاس‌های درس بروند؟ ماه‌ها گذشته و هنوز همین چالش مسئله کلیدی خانواده‌هاست اما آیا مسئولان هم در این دوران بازنگری و پردازش نو به این موضوع داشته‌اند؟ آیا به کار پیداکردن راه چاره‌ای او بوده‌اند؟ و آیا اصلا این چالش مسئله آنها بوده؟ با دو هفته زودتر، اکنون زمانی است که مدرسه‌ها باز شده‌اند و سال آموزشی نو آغاز شده است و سرگردانی همگانی نشان می‌دهد که مسئولان ما برنامه‌ریزی متناسب، یکپارچه و بسامانی برای این چالش نداشته‌اند.

کافی است از خانواده‌هایی که دختر و پسر مدرسه‌ای دارند، پرسیم کلاس درس فرزندشان چگونه برگزار می‌شود و به پاسخ‌هایی گوناگون و پرشمار برسیم. مدرسه یکی هنوز آغاز به کار نکرده است، در مدرسه دیگری نظرسنجی کرده‌اند که کلاس‌ها حضوری باشد یا مجازی، دیگری از برگزاری کلاس‌ها در فضای باز می‌گوید و نگران فصل سرما و روزهای آلودگی هواست و... در فضای مجازی هم عکس‌های گوناگونی منتشر شده است، در یک کلاس دختران با رویپوش و مقنعه

در چادرهای پلاستیکی تک‌نفره نشست‌اند تا از جابه‌جایی کرونا به دور باشند و در کلاس دیگری کودکانی که سر تا پای‌شان را الکل پاشیده‌اند، روی فرش درس می‌آموزند. نه‌تنها دستورنامه‌های روشن و متناسب با گوناگونی‌های وضعیت آموزشی در کشور برای برگزاری کلاس‌های درس نیست بلکه مسئولان تصمیم‌پایداری برای حضوری یا مجازی‌بودن مدارس نمی‌توانند بگیرند. چگونه می‌شود این همه بگذرد و تصمیم روشن و متناسب گرفته نشود.

عکس‌های روز اول مدرسه‌ها را ببینید؛ مدرسه‌ای در منطقه مانند همه روزهای عادی کلاس‌هایش برگزار شده، همه دانش‌آموزان سر صف و تگاتگند در کنار هم ایستاده‌اند، دانش‌آموزانی که هرکدام می‌توانند جابه‌جاکننده ویروس کرونا به خانواده‌های‌شان باشند. این مسئله در شمار زیادی از مدرسه‌های دولتی

هفت‌نوبت

چالش بازگشایی مدارس برای خانواده‌ها



الهام فخاری

اتفاق افتاده است. در مدارس غیرانتفاعی هم وضعیت خیلی دور از این نیست. همکاری داریم که می‌گوید پسرش دبیرستان غیرانتفاعی می‌رود؛ هر روز از هفت صبح تا سه بعدازظهر سر کلاس است. دستور رئیس‌جمهوری صادر شده است؛ اجباری برای آمدن دانش‌آموزان در مدرسه‌ها نیست. اما این می‌تواند قانون باشد؟ اگر مدرسه‌ای دانش‌آموزانش را مجبور کرد که سر کلاس باشند، پدر و مادر/ سرپرستان می‌توانند شکایت کنند و کسی هست که به این شکایت رسیدگی کند؟ کجا می‌توان شکایت کرد؟ یا چون که نگران آینده آموزشی فرزندش است، باید به قوانین مدرسه تن بدهد؟

امروز مدرسه دیگر جایی که بود، نیست و این مهم‌ترین چیزی است که برای نظام آموزشی در دوران کرونا رخ داده است. خانواده‌اگر تا دیروز با اطمینان و خیال آسوده فرزندان‌شان را به مدرسه می‌سپردند و آنجا را امن‌ترین جا برای آنها می‌دیدند، اکنون مدرسه را ناامن‌ترین جا برای آنها می‌دانند. این باور نه‌تنها در میان خانواده‌های دانش‌آموزان بلکه در خانواده‌های آموزش‌کاران هم هست. شاید همه کسانی که سر کارشان می‌روند، در خطر بیماری باشند؛ ولی بودن در کلاس درسی ۳۰، ۳۰۰نفره و در ساعت طولانی بیشترین خطر را برای همه دارد.

گذشته از ترس از گرفتارشدن به کرونا، باید نگران رویدادهای دیگری هم باشیم؛ فرسودگی خانواده‌ها و آموزش‌کاران. مدرسه‌هایی هستند



که از آغاز تصمیم گرفته‌اند کلاس‌ها غیرحضوری باشد. روزهای آخر آموزشی سال گذشته و در همین چند روزی که سال نو آموزشی آغاز شده، نشان می‌دهد که آموزش‌کاران و خانواده‌ها بیش از روزهای دیگر درگیر درس و شوق دانش‌آموزان هستند. کندی اینترنت، نداشتن تخصص و مهارت برای برگزاری کلاس‌های مجازی و سختی کار از راه دور، کار آموزش‌کاران را دشوارتر از پیش کرده است. خانواده‌ها هم که شرایط امروز برای‌شان دشوار است، نگران هستند فرزندان‌شان نتوانند آن‌گونه که باید، از آموزش بهره‌مند باشند.

ای کاش مسئولان از شش‌ماه پیش به بازپردازی برنامه روشنی متناسب با گوناگونی شرایط آموزشی در کشور و برای این روزها می‌پرداختند و با همکاری دستگاه‌ها شرایطی فراهم می‌کردند تا همه همه‌سستر و بی‌حاشیه این چالش را مدیریت کنیم.

پیشخوان

تنهایی حال کسی خوب نمی‌شود

جواب داده شده، این است که آیا در این جهان سرمایه‌داری این شیوه می‌تواند سبب کاهش مشکلات کارکنان شود یا خیر؟ کتاب در هفت فصل به این مفهوم پرداخته و نویسندگان درباره چگونگی تبدیل‌شدن این شیوه زندگی به یک ایدئولوژی پرداخته‌اند، مجموعه‌ای از انگاره‌ها و باورها که می‌تواند از جانب افراد و سوسه‌انگیز و خواستنی باشد. عنصر ایدئولوژیک فرزیستی با توجه به نگرش‌های غالب نسبت به کسانی که در مراقبت از بدن خود غفلت می‌کنند و از سوی دیگران به‌عنوان افرادی بدکار، تبیل و ضعیف شناخته می‌شوند، شکل می‌گیرد. تمرکز این کتاب بر فرزیستی به‌مثابه یک امر حیاتی اخلاقی است.

امروز فرزیستی فقط آن چیزی نیست که فرد انتخاب می‌کند؛ بلکه یک تعهد اخلاقی است. دستورهایی که از درون افراد به بیرون منتقل می‌شود و این همان چیزی است که به‌عنوان دستور فرزیستی شناخته می‌شود. «دستوراتی که اکنون علیه انسان به کار برده می‌شود و ازاین‌رو نویسندگان اثر آن را سندرم فرزیستی دانسته‌اند. در طول کتاب سعی شده نشان داده شود که چگونه فرمان فرزیستی به همه جنبه‌های زندگی ما در همه زمان‌ها نفوذ پیدا کرده و حتی فرزندگی جدید و یا الگویی برای پرکردن خلاها و مولدبودن تبدیل کرده است و سعی کرده نشان دهد فرد هرچه بیشتر روی خودش تمرکز کند، ناامیدتر و بیگانه‌تر می‌شود.

نشر سرو سیمین این کتاب را با قیمت ۴۹ هزار تومان و ۲۴۴ صفحه منتشر کرده است.

حق‌بان

تغییر جنسیت از دریچه قانون و قضا



ابراهیم ایوبی • وکیل دادگستری

• شاید مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده هویت هر انسان جنسیت او باشد. در یک تقسیم‌بندی ساده افراد به زن یا مرد طبقه‌بندی می‌شوند؛ اما گاهی وضعیت جسمی و روحیات فرد در مغایرت با هم قرار دارد که این افراد به‌عنوان «ترانجنسی» (به زبان انگلیسی transgender) شناخته می‌شوند. مرسوم است که ترانجنسی‌ها برای رهایی از این بحران جسمی-روخی دست به عمل تغییر جنسیت یا به بیان درست‌تر «تطبیق جنسیت» می‌زنند. برای اولین‌بار در انگلستان در سال ۱۹۴۸ دختری به نام لورا تغییر جنسیت داد و نام مارک را برای خود برگزید.

از آنجایی‌که نظام حقوقی کنونی ایران برگرفته از فقه است و اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی را مکلف کرده است در صورت عدم یافتن حکم هر دعوا در قوانین مدون، به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کند، دانستن دیدگاه فقها ضروری است. در آیات و روایات نص خاصی در این زمینه وجود ندارد؛ در نتیجه فقها به سه گروه مخالف، موافق مشروط و موافق مطلق تقسیم شده‌اند. مخالفان معتقدند تغییر جنسیت مستلزم ازبین‌بردن اعضای بدن و تغییر در خلقت الهی بوده که هر دو حرام است. گروهی موافقت خود را مشروط به داشتن مشکل جنسی در فرد و مفید تشخیص‌دادن تغییر هویت توسط پزشک می‌دانند. دسته سوم بر مبنای اصل حلیّت هر کار و قاعده تسلیط (مردم بر نفس و مال خود مسلط‌اند) تغییر جنسیت را به‌طور مطلق مجاز می‌دانند.

آیت‌الله خمینی در کتاب فقهی خود بیان داشته‌اند: «ظاهر آن است که تغییر جنس مرد به زن به سبب عمل و برعکس آن، حرام نیست» (تحریرالوسیله/ جلد دوم/ ص ۶۶۳) که همین نظر منجر به پذیرش عملی تغییر جنسیت در ایران امروز شده است. همچنین آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به پرسشی موافقت خود را اعلام کرده‌اند. سؤال از این قرار است: «برخی افراد در ظاهر مذکر هستند، ولی از جهات روحی و روانی ویژگی‌های جنس مؤنث را دارند و تمایلات جنسی زنانه در آنان به طور کامل وجود دارد و اگر مبادرت به تغییر جنسیت نکنند، به فساد می‌افتند. آیا معالجه آنان از طریق عمل جراحی جایز است؟» پاسخ داده شده است: «عمل جراحی مذکور برای کشف و آشکارکردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این کار مستلزم فعل حرام و ترتب مفسده‌ای نباشد.» (رساله اجوبه الاستفتاات/ ص ۲۸۳/ سؤال ۱۲۷۹). در واقع ایشان موافقت مشروط خود را اعلام کرده‌اند.

کشورهای جهان از نظر تصویب قوانین و مقررات خاص در این زمینه به سه گروه دسته‌بندی می‌شوند: اول، کشورهایی که قانون در میزان سهم‌الارث دارد، برای تعیین تکلیف افراد خثنی در ماده ۹۳۹ آمده است: «در تمام موارد مذکور در این مبحث و دو مبحث قبل، اگر وارث خثنی بوده و ازجمله وراثی باشد که از ذکور آنها دو برابر اثاث ارث می‌برند، سهم‌الارث او به سه طریق ذیل معین می‌شود: اگر علائم رجولیت غالب باشد، سهم‌الارث یک پسر از طبقه خود و اگر علائم انائیت غلبه داشته باشد، سهم‌الارث یک دختر از طبقه خود را می‌برد و اگر هیچ‌یک از علائم غالب نباشد، نصف مجموع سهم‌الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد». این‌روش تدبیری برای خروج از بین‌ست و مشخص‌کردن سهم‌الارث فرد خثنی است.

در نتیجه با توجه به نظر مساعد بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و فقدان منع قانونی، سال‌هاست عمل تغییر جنسیت در کشور ما رایج است. جالب اینکه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۵۰۴ مورخ ۱۳۶۶/۰۲/۱۰ محاکم عمومی دادگستری را برای صدور حکم نسبت به تغییر نام از جنسی به جنس دیگر صالح می‌داند؛ در بخشی از این رأی می‌خوانیم: «درخواست تغییر نام صاحب سند سجلی از حیث جنس (ذکور به اثاث یا بالعکس) از مسائل اساسی است که واجد آثار حقوقی می‌باشد و از شمول بند ۴ ماده ۳ قانون ثبت احوال خارج و رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری است.»، همچنین ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) رسیدگی به موضوع تغییر جنسیت را در صلاحیت دادگاه خانواده می‌داند.